

امپریالیسم آمریکا پشت دروازه‌های میهن انقلابی ماست

نامه
مردم
از کان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۴۱۹
یکشنبه ۲۱ دی ۱۳۵۹ ، مطابق با
۳ ربیع الاول ۱۴۰۱ ، به ۱۵۰ ریال

• رسانه‌های گروهی آمریکا با تبلیغات بیسابقه‌ای
افکار عمومی آمریکا را برای مداخله نظامی در
ایران آماده می‌کنند.
• نیروهای نظامی آمریکا که در شرایط
عمرافتمی مشابه خلیج فارس تمرین میکنند،
بسرعت آماده انجام عملیات میشوند.
• با اتحاد همه نیروهای خلق، زیر رهبری
امام خمینی، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

دولت آمریکا، که از روز جواب رد به پاسخ نهایی ایران در مورد
شرایط آزادی «گروگانهای جاسوس، بی‌رسته برای ایران انقلابی
خط و نشان میکند و چنگ و دندان نشان میدهد، اکنون آشکارا
ایران را به حمله نظامی تهدید میکند.
اخبار رسیده نشان میدهد که رسانه‌های گروهی آمریکا، با
پخش اخبار و تفسیرهای متعدد، افکار عمومی آمریکا را برای حمله
نظامی به ایران آماده میکنند.
دوشنبه ۱۶ دیماه ۵۹، شبکه‌های تلویزیونی آمریکا فیلمی
را از چگونگی تدارک و تدارک هجوم مسلحانه به ایران پخش کردند.
در فیلم قسمتی از تمرین یگانهای متعدد نظامی آمریکا، که با استفاده
از وسائل فنی و جنگی، پیشمار، در شرایط حداکثر نزدیک به شرایط
جنگی، در نواحی صحرائی ایالات آریزونا، کلرادو، نیومکزیکو،
بقیه در صفحه ۲

در ادامه نبرد خلق با تجاوزگران صدامی

۲۴۰ تن از تجاوزگران صدامی در جبهه‌های غرب به اسارت درآمدند

• تلفات سنگینی بر دشمن متجاوز در جبهه‌های جنوب و غرب وارد شد.

• دشمن جنایتکار، مناطق مسکونی آبادان و نزفول را زیر آتش توپخانه قرار داد.

در چاه مادشیر - آبادان، یک
دستگاه تقریرزهری، یک دستگاه
غلتک چاه‌سازی، ۳ سنکر
خپارمانداز، یک سنکر توپ
ضد هوایی و ۶ سنکر انفجاری
دشمن منهدم و ۸ تن از دشمنان
به‌هلاکت رسیدند. در همین منطقه
یک سنکر توپ ۱۳۰ میلیتری
دشمن نیز نابود شد و ۲ قیسه
توپ و چندین سنکر متجاوزان
در چاه دارخوین - ماره در
تزدیکی آبادان منهدم شد. ضمناً
یک فروند هواپیمای خودی روز
گذشته در منطقه مادشیر دچار
ساخته شد و خلبانان آن سالم
نجات یافتند و علت حادثه تحت
بررسی است.

انقلاب در روز ۱۹ دیماه ۵۹ را
اعلام کرد. در این اطلاعیه از
جمله آمده است:
«الف - قیام عملیات نیروی
هوایی ارتش جمهوری اسلامی
ایران:
۱- انهدام ۱۵۰ دستگاه
خودروی نظامی و وارد کردن
خسارت به نیروهای دشمن به
میزان ۸۰ درصد در چاه غرب
اهواز.
۲- انهدام بیش از ۸۰ درصد
نیروهای زرهی و پیاده دشمن
در چاه هویزه.
۳- حمله به یک ستون زرهی
و پیاده در حال حرکت دشمن و
انهدام تعداد ۱۵ دستگاه تانک
به میزان ۶۵ درصد و انهدام یک
قیسه توپ.
۴- انهدام ستون زرهی و
توپخانه دشمن به میزان ۴۰ درصد.
۵- قطع خطوط مواصلاتی
دشمن در جنوب غربی جوفری.
۶- حمله به مواضع کافران
در اطراف آبادان و خونین‌شیر،
۷- بمباران مواضع مزدوران
در منطقه سیحان و وارد کردن
تلفات و ضایعات زیاد به دشمن.
ب - عملیات سایر نیروها:
۱- با آتش یگانهای خودی

ساعت ۲۱:۴۵ جمعه شب از
جبهه‌های غرب کشور دریافت
داشت، گزارش داد:
«نبرد از ذهاب تا مهران در
مناطق مرزی استانهای کرمانشاهان
و ایلام همچنان ادامه دارد و
حملات دیروز رزمندگان جمهوری
اسلامی ایران با سلاحهای سنگین
و سبک و عملیات چریکی و نبرد
تن به تن در جبهه‌های گیلانغرب،
مهران، کانی سخت و ذهاب
ادامه داشته.
بر پایه آخرین گزارشها،
«رزمندگان انقلاب روز جمعه،
۸ تانک و تقریباً ۲ چادر مهمات،
۲۶ سنکر آرایشی، ۳ سنکر
جمعی نیروهای دشمن را در
عملیات خود منهدم کردند و ۳
تانک سوخت و ۱۱ خودروی دشمن را
به آتش کشاندند و یکسکوی
پرتاب موشک عراق را با ذخایر
موشکی و مهمات مربوطه به
غنیمت گرفتند. در عملیات روز
جمعه آمار کشته‌شدگان نیروهای
صدام مزبور تا زمان مخابره خبر،
۲۶۸ تن کشته و مجروح و ۲۴۰
تفر نیز اسیر اعلام شده است.»
ستاد مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران نیز، در اطلاعیه
۳۶۹ خود، شرح عملیات رزمندگان

نبرد رزمندگان جمهوری
اسلامی ایران با تجاوزگران
صدامی در تمام جبهه‌ها به شدت
ادامه دارد.
خبرگزاری پارس، از کرمانشاه،
بر پایه آخرین گزارشها، که تا

**۳ هوادار حزب
توده ایران
در بوم آزاد شدند**

سه تن از هواداران
حزب توده ایران در بوم،
بنامهای محمود قبری پور،
رضا مومن آبادی و رضا
مصدق آبسی، که در
بازداشت بودند، آزاد
شدند.
ما ضمن ابراز خوشحال
از آزادی این رفقا،
خواستار اتخاذ تدابیری
برای سلامت از وقوع
مجدد این حوادث، که به
زیان انقلاب و جمهوری
اسلامی ایران تمام می-
شود هستیم.

هشدار سازمان جوانان توده ایران
به مناسبت توطئه ضد انقلاب،
لیبرالها و مائوئیستها به پهبانه
بازگشایی دانشگاهها

باهشیاری و اتحاد، توطئه ضد انقلاب را در روز ۲۳ دی خنثی کنیم!

چندی است که ضدانقلاب، لیبرالها و مائوئیستها تحت
لوی «بازگشایی دانشگاهها»، تبلیغات و فعالیت گسترده‌ای را
علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند. روزنامه
های لیبرال و نشریات گروهک‌های مائوئیستی، هم‌صدا با
رادیوهای ضدانقلاب، روزی نیست که مقاله‌ای در مدح صلح و
دانش و ضرورت بازگشایی دانشگاهها و دفاع از سنکر
آزادی ننگارند و به محکوم کردن «انصارطلبان»، «مرتجعین»
و «دشمنان علم و آزادی» نپردازند!
در شرایطی که امپریالیسم - سرکردگی امپریالیسم
امریکا - و تجاوزگران صدامی میهن ما را آماج حمله و
تجاوز قرار داده‌اند، در شرایطی که امپریالیسم آمریکا، پس
از شکست توطئه تجاوز رژیم صدام و به پهبانه آزادی
گروگانها، توطئه هتم خود را برای براندازی انقلاب و
جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است، تشدید حملات
تبلیغاتی علیه نیروهای انقلابی و خط امام خمینی و ایجاد
جو تشنج و درگیری تحت لوی «بازگشایی دانشگاهها»
نمی‌تواند تصادفی باشد این تبلیغات و تشنج آفرینی‌ها جزئی
بقیه در صفحه ۲

در آمریکا هیستری ضد ایرانی دامن زده میشود

در ایالات متحده آمریکا به هیستری ضد ایرانی همچنان
دامن زده میشود.
روزنامه «سانفرانسیسکو گزاینر» معتقد است که
«جیمی کارتر، رئیس جمهوری آمریکا، با ابراز موافقت به
مذاکره با بربرها، دچار خطا شده است» و می‌نویسد:
«هریکان باید به ایرانی‌ها حال کند که ایجاد مجازات
خیلی گسترده‌تر از چارچوب مزایایی خواهد بود، که آنها با
نگهداشتن گروگانها امیدوارند بدست آورند.»
این روزنامه آمریکایی، در چارچوب توصیه‌های مشخص
خود به مقامات آمریکایی، پیشنهاد میکند که «صدا و صدای
جمهوری اسلامی ایران» منقرض شود.
از سوی دیگر، «یوکر» از سرجهان سرشناس
ایالات متحده، ریگان را فراخوانده است که به ایران اعلان
جنگ کند. وی در روزنامه «واشینگتن استار» نوشته است
که، این امر باید پس از اتمام حجتی دوهفته‌ای انجام گیرد.
از جمله دیگر توصیه‌های «یوکر» به «کاخ سفید» شناسایی
دولتی مرکب از مهاجران ضدانقلابی در تیمه است!

۲- توپخانه نیروی زمینی ارتش
جمهوری اسلامی ایران از پامداد
دیروز (جمعه) مناطق، صبیبه،
المعمر، الدویب و سیحان را به
شدت زیر آتش خود گرفت و
تلفات و ضایعاتی به دشمن وارد
شد.
۳- مواضع قوای عراقی در
الفدائیه، توسط رزمندگان دلار
نیروهای مسلح جمهوری اسلامی
ایران با موشک هدف واقع و
خسارات و آسیب فراوان به
دشمن وارد شد.
۴- دشمنان انقلاب اسلامی
همچنان ددمنشانه به تلاشهای
شکستهای مقتضای خود با آتش
بقیه در صفحه ۲

تصحیح لازم

در سه شماره گذشته نامه
«مردم» متأسفانه شماره حساب
بانکی به نام تقی کرمنش
مخصوص کمک مالی اشتیاقها
۳۹۸۸ به چاپ رسیده است.
شماره صحیح آن ۳۲۳۲ است.
با پوزش از علاقمندان به کمک
مالی به حزب، خواهشمندیم
شماره صحیح را در نظر گیرند.

**کارنامه ۱۸ ماهه سیاست
خارجی لیبرال‌ها (۱)**

سیاست خارجی دولت موقت لیبرال‌ها در جهت خلاق اهداف
انقلاب ایران حرکت می‌کرد

راندگان کامیون:
با داشتن تسهیلات، حاضریم شب و روز کار کنیم
تا کالاها را به مقصد برسانیم

دهقانان آماده دفاع از انقلابند

با ملی کردن بازرگانی
خارجی، دست
واسطه‌های سودجو را
از معاملات آهن
کوتاه کنید!

منه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کارنامه ۸ ماهه سیاست خارجی لیبرال ها

سیاست خارجی دولت موقت لیبرال ها در جهت خلاف اهداف انقلاب ایران حرکت می کرد

که مورد نظر آنهاست. گرچه گفته می شود که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی دوران گذشته، طرح و هدف معینی نداشته است، ولی بایده این حقیقت افزود که لیبرال ها، یعنی طراحان و مجریان اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، به هیچ وجه بدون طرح و هدف نبوده اند و اگر گاه "آشفتنی" و "ناسامانی" و "ابهام" در سیاست خارجی لیبرال ها به چشم می خورد، معلول آن بود که لیبرال ها در پیشبرد خط مشی خویش با "ذواری هایی" مواجه بودند، که به طور عمده از جانب نیروهای انقلابی و بویژه رهبر انقلاب، امام خمینی، ناشی می شد! اگر لیبرال ها در عملی ساختن سیاست خارجی مورد نظر خود به طور کامل و از هر نوع "قید" آزاد بودند، بی شک تا کنون اثری از انقلاب باقی نمانده بود، تا بتواند در سیاست خارجی خود تصحیحات لازم و جدی وارد سازد. برای آنکه ببینیم چرا و چگونه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از دو سال تقریباً درجایی قرار دارد که در واقع در همان اوان انقلاب قرار داشت، باید به این سیاست خطرناک، که از جانب لیبرال ها، اعمال می شد و انقلاب ایران را به سوی نابودی سوق می داد، نظر بیافکنیم.

از نظر لیبرالها امریکا «دوست» انقلاب و دشمن اصلی و شماره یک آن است!

مسئله محوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چگونگی برخورد با امریکالیسم و بویژه امریکالیسم جنایتکار، غارتگر و تجاوزکار امریکا بوده و هست. انقلاب ایران، انقلابی است با ماهیت ضد امریکالیستی و استقلال طلبانه، که ضربات شدید و مهلکی را بر بیکر منافع غارتگرانه امریکالیسم بویژه امریکالیسم آمریکا در ایران وارد ساخت. رژیم فاسد و جنایتکاری را که سراپا وابسته به امریکالیسم بویژه امریکالیسم آمریکا بود، سرنگون ساخت، دهها هزار مستشار نظامی آمریکا را، که ارتش ایران را به زانده ارتش آمریکا و به اهرم سیاست های تجاوزکارانه امریکالیسم آمریکا در منطقه بدل ساخته بود، بیرون کرد و بازار دهها میلیارد دلاری اسلحه و کالا را از چنگ امریکالیست ها، به سرکردگی امریکالیسم آمریکا بیرون آورد. انقلاب ایران برای استمرار و بقای خویش و دستیابی به آرمان های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه و عدالت طلبانه خود می بایست با این قدرت شیطانی و تجاوزگر، که حتی یکدم از توطئه به منظور نابود کردن آن دست نکشیده و نمی کشد، قاطعانه مقابله کند. قراردادهای اسارت باری را که رژیم منفر به پهلوی با انحصارات امریکایی بست، لغو کند و در مقابل بقیه در صفحه ۶

سر می برد و این فرد، که بعد از سرهنگ قذافی، دومین شخصیت لیبی است، کسی سرانجام رانمی گرفت و فقط روزها مقابل هتلش جمع می شدند و شعار می دادند که هرچه زودتر از ایران برود... و تلویزیون هم با آب و تاب آن ها را پخش می کرد، و از طرف دیگر، در حالی که دولت لیبی تمام قدرتش را برای نزدیک شدن با ایران به کار میبرد، مقامات حاضر به فرستادن نماینده به لیبی نبودند و این در حالی بود که سفارت لیبی در تهران بسیار فعال و کوشا بود... از این که با یمن جنوبی، کوبا، ویتنام، کره شمالی و... چه رابطاتی داشتیم، ایم، لازم نیست، مطالبی نوشته شود.

تجاوز نظامی رژیم جنایتکار صدام حسین، که در ارتباط با توطئه های براندازی امریکالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، یکبار دیگر دوستان و دشمنان انقلاب ایران را محک زد. بار دیگر به روشنی تمام در صف نیروهای جهانی بر سر حقانیت و یا عدم حقانیت انقلاب

عرصه دانستند. اما سکان داران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، دست رد بر سینه آنها نهادند و حتی محافظی از هیچ تلاشی برای ایراد تهمت و افترا به آنان فروگذار نکردند.

"ما متوجه شدیم که اصولاً در حرکت سیاسی خارجی در این دو سال گذشته، در این جاهایی که ما رفتیم، نه طرح دوستی داشتیم و نه درست عمل کردیم. اولین گله های مسئولان این کتک ها آن بود که، علیرغم این که ما خیلی تلاش کردیم که با شما نزدیک و همسنگ شویم، شما به ما جواب متقابل، متناسب با خواست ما را نمی دادید."

(حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی) حتی محافظی تبلیغ می کردند که در صورت حمله عراق به ایران، سوریه، لیبی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن، به پشتیبانی از عراق، به ایران حمله خواهند کرد!

بهر صورت، دوستان و پشتیبانان واقعی انقلاب ایران، که از روز نخست با قاطعیت به دفاع از جمهوری اسلامی برخاستند، از جمله کشورهای مسلمان و انقلابی سوریه، لیبی، الجزایر،

برای مدت قریب به دو سال انقلاب ایران با اس درباری بیکران همسنگی و محبت انسانی، تا آشنا بود. درباری که اگر اراده می کرد، می توانست هر قدر می خواهد از کرانه پایان ناپذیر آن نبو شد و برای مقابله با دشمن اصلی خود، شیطان بزرگ - آمریکا و دیگر هم پیمانان و وابستگانش از آن بهره گیرد. خلق های ضد امریکالیست و انقلابی عرب و دولت های مرفقی و انقلابی "جبهه" پایداری، از جمهوری اسلامی ایران "گله" داشتند، نه بدین جهت که آنها از انقلاب ایران چیزی می خواهند، بلکه تنها برای آن که انقلاب ایران از امکانات بی دریغ آن ها برای مبارزه با دشمن مشترکشان بهره نکرده بود! حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تاکید می کند که استمرار، تحکیم و پیروزی انقلاب ایران، بزرگترین چیزی است که خلق های انقلابی مسلمان و غیر مسلمان منطقه، از جمهوری اسلامی ایران می خواهند، زیرا پیروزی انقلاب ایران، ضربهای خردکننده بر بیکر شیطان بزرگ و عمال فاسد و مرتجع منطقه ای، بویژه رژیم

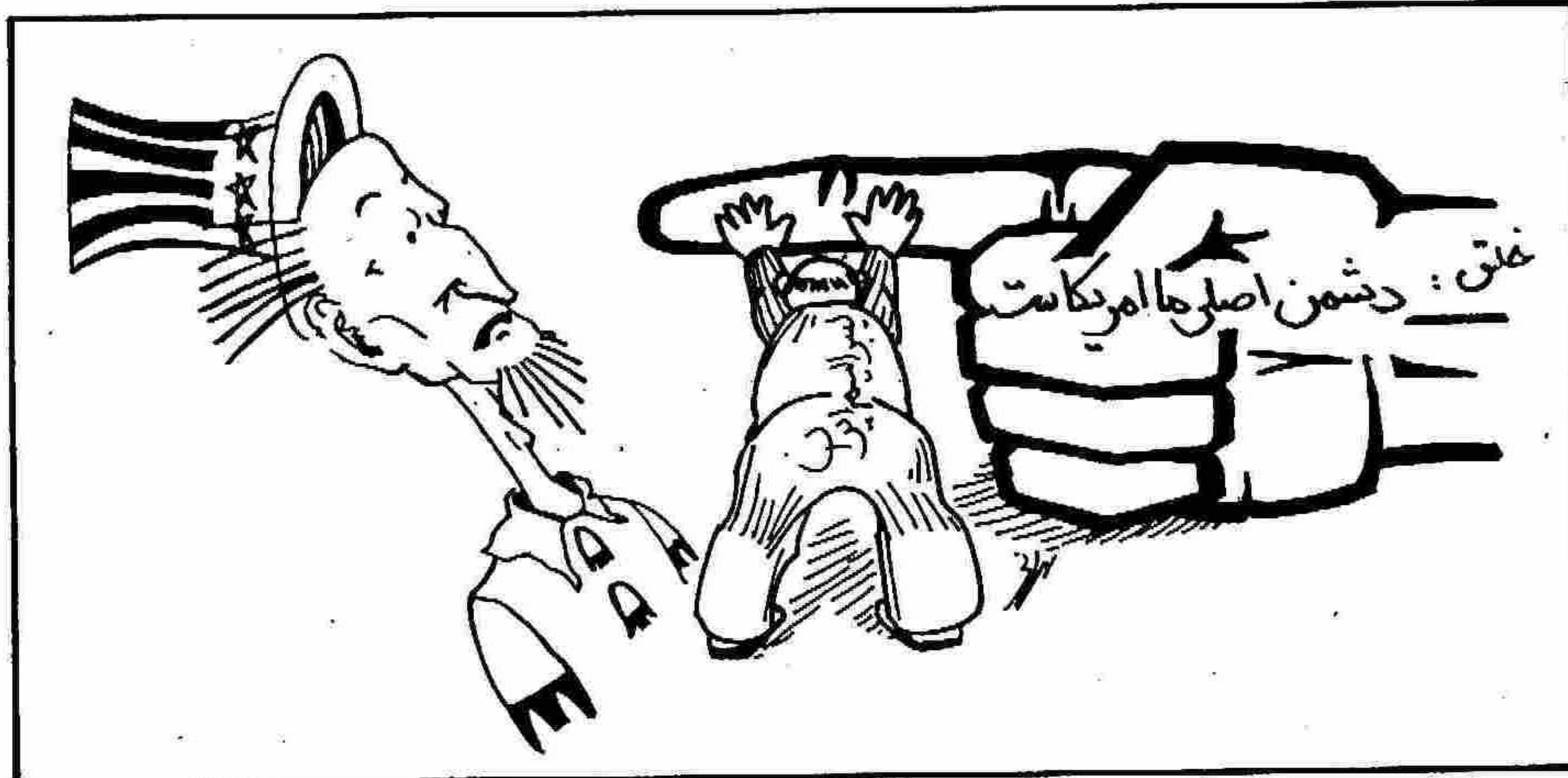
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، که برای گفتگو پیرامون مسائل جاری انقلاب ایران و نیز مسائل منطقه و جهان، به سوریه، الجزایر، لیبی (ولسان) سفر کرده بود، جندی سبش ناکولباری از محبت و همسنگی مردم و دولت های این کشورها و پیام های گرم دوستی، برادری و بشسانی بی دریغ از انقلاب ایران، به کشور بازگشت. جبهه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، در بازگشت از این سفر، گشاده و خندان بود و در سخنانش آمد و شور همسنگی و دوستی مسلمان ها انسان عرب نسبت به انقلاب ایران موج می زد. انقلاب ایران در این سفر بر بار، به قول حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، دنیای جدیدی را کشف کرد، دنیایی که قریب به ۲ سال از انقلاب ایران پنهان نگاه داشته شده بود و ای بسا با تلقینات کذب، جمهوری اسلامی ایران را علیه این دنیا برانگیخته و در مقابل آن قرار داده بودند. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت:

"ملت های کشورهای عربی، علی رغم تبلیغات صدام و دارودسته امریکالیسم و صهیونیست ها، کاملاً همراه انقلاب ما هستند."

"با هرچه آدم خوب دیدیم، ما موافق بود. حالا این خوب که می گویم، یا مسلمان باشد، یا انقلابی باشد، گرچه مسلمان هم نباشد." "در لیبی، مهم این بود که این ها قانع بشوند که مسئولان جمهوری اسلامی ایران تمایل به همکاری با آنها را دارند. آنها برایشان - این ساله خیلی اهمیت داشت. آقای قذافی اولین گفتمش از ما این بود که شما هیچ به ما نپرداخته اید و سری به ما نزد ما می داید... ما مایل بودیم با شما باشیم... ما هرچه داریم در اختیار شما می گذاریم. نیروهای انسانی، نظامی، تبلیغاتی ما در اختیار شماست. گله شان این بود که چرا شما از این امکانات ما استفاده نمی کنید. چرا با ما هماهنگی نمی کنید."

"در سوریه، آقای حافظ اسد رئیس جمهوری، رئیس مجلس، وزیر خارجه و دیگر کسانی که با آنها صحبت کردیم، با صراحت به ما می گفتند، امکانات سوریه را امکانات خودتان بدانید. فقط ما با ارتباط داشته باشید که ما سیاست شما را بدانیم، تا هماهنگ عمل کنیم." "در ملاقات طولانی که با همه جناح های فلسطینی، جناح های مذهبی شان داشتیم، احساس شد فلسطینی ها، علی رغم این که بطور رسمی موضع گیری نکردند، ولی عمیقاً در کنار ما هستند."

"رهبران دسته دوم فلسطینی، همه صریحاً در مصاحبه های خود ایران را تأیید می کنند." "انقلاب اسلامی ایران را به عنوان یک حرکت ضد امریکالیستی و ضد آمریکایی در منطقه پذیرفته اند و حرکت های ضد انقلاب ایران را به عنوان حرکت امریکالیستی و ضد مردمی، همه قبول دارند... کشور های مرفقی مثل سوریه، الجزایر، لیبی و فلسطینی ها، این ها از پیش هم با آمریکا درگیر بودند و موضعشان هم این بود که این جنگ تحمیلی آمریکاست و معتقد بودند ما الان با آمریکا در جنگیم. مثلاً یمن جنوبی هم در این قضیه با ما همکاری می کند." "رهبران کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه... فکر می کردند که هرگونه حمایتی برای دوام این انقلاب باید بشود و آمادگسی داشتند که با ما هرگونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی داشته باشند."



علیرغم تلاش خویش، با درهای بسته مواجه شدند. طراحان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، از هیچ کوششی برای "منزوی" کردن انقلاب ایران در میان این کشورهای مرفقی و ضد امریکالیست فروگذار نکردند. تا جایی که:

"این ها خیال می کردند که ما یک پوسته ای برای خودمان ساخته ایم و نمی خواهیم از آن در بیاییم... ما الان در این کشورهایی که رفتیم، در الجزایر یک کاردار داریم، در لیبی یک کاردار داریم، که یکی دو هفته است شروع کرده، در سوریه سفارت داریم، اما بی پروبال، در لبنان هم یک کاردار داریم و در جاهای دیگر هم وضع ما همین است." (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی)

یعنی وضع ما را با عده ای از بیکرترین و صدیق ترین دوستان انقلاب ایران به جایی رساندند که تا قطع رابطه فاصله چندانی وجود نداشته باشد.

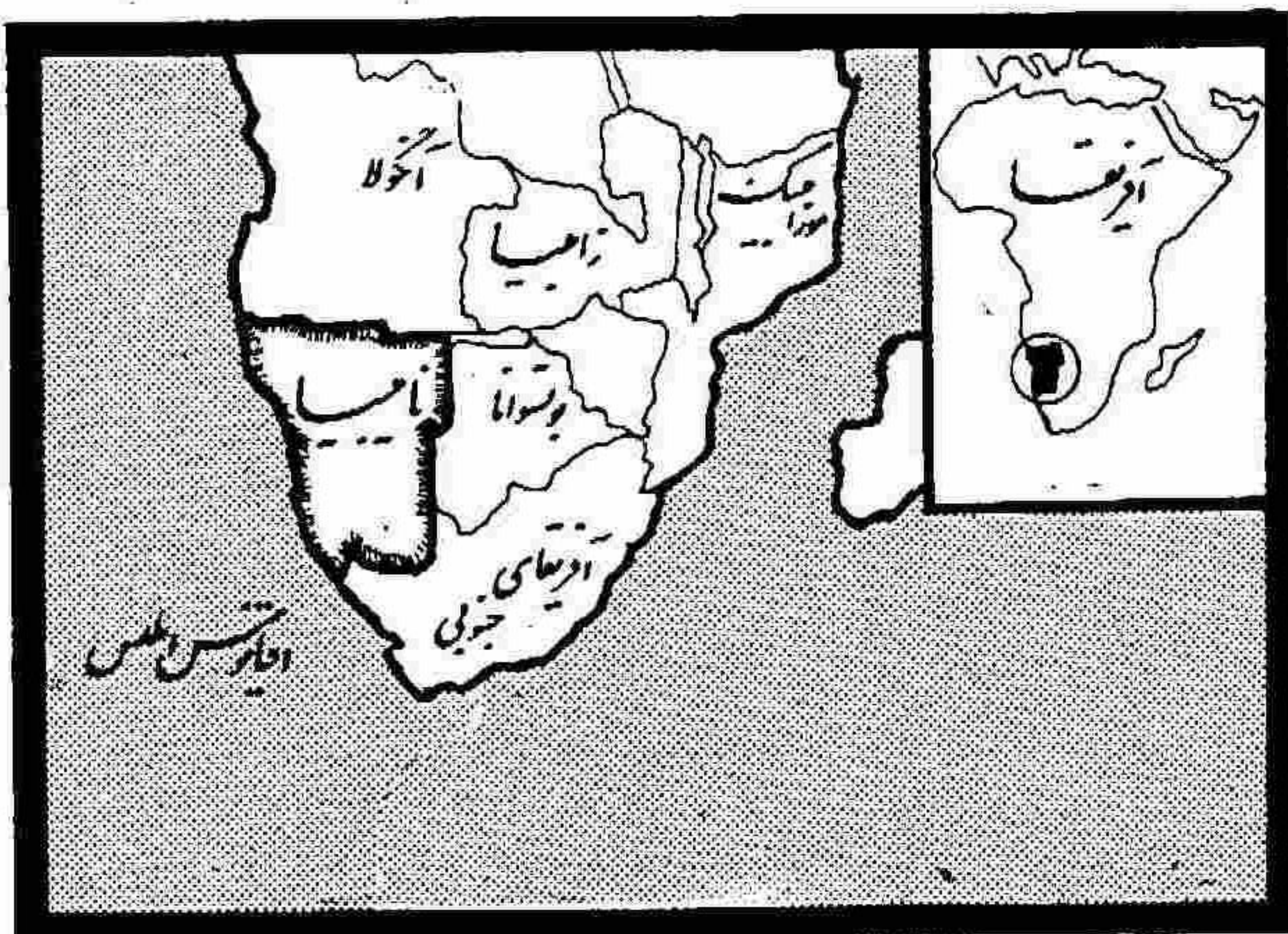
روزنامه "انقلاب اسلامی" (۶ آذر ۵۹) در مورد چگونگی برخورد مسئولین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، با این دوستان صدیق انقلاب ایران، می نویسد:

درصدد بر نیامدیم تا امکاناتی را که می توان از آنها به نفع انقلاب بهره برداری کرد، به کار گیریم. کوشش نمائیم تا بر دوستانی که صداقت و باامردی دارند، بیفزاییم... یک ماه تمام نخست وزیر لیبی، آقای عبدالسلام جلود، در ایران به

جنایتکار و غاصب اسرائیل وارد آورده است. چرا باید انقلاب ایران تنها پس از دو سال چنین دنیای دوستی را باز یابد و آنرا "کشف" کند؟ چرا این درباری بزرگ امکانات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، باید پس از این مدت دراز مکشوف گردد؟ از "نزوی" انقلاب ایران میان دولت ها و خلق های انقلابی و ضد امریکالیست چه کسانی سود می برند؟ چه کسانی تلاش کردند، تا دوستان و متحدان واقعی انقلاب ایران، از انقلاب ایران جدا بمانند؟ چه کسانی تخم خصومت با دولت و خلق انقلابی لیبی برآوردند؟ چه کسانی جنبش آزادی بخش فلسطین را، که "عمیقاً در کنار ماست"، خصم انقلاب ایران تبلیغ کردند و چه کسانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به روی دوستان آن بستند؟

از همان فردای پیروزی انقلاب ایران و آغاز مرحله دوم توطئه های خطرناک امریکالیسم آمریکا و متحدین آن برای براندازی جمهوری اسلامی ایران، اعضا "جبهه پایداری": لیبی، سوریه، الجزایر، فلسطین و جمهوری دموکراتیک خلق یمن، به پشتیبانی قاطع از انقلاب ایران برخاستند و برای گسترش روابط خویش با جمهوری اسلامی ایران و کمک به انقلاب ایران برای مقابله با دشمن شماره یک همه بشریت عدالت خواه و استقلال طلب، یعنی امریکالیسم آمریکا، دست باری به سوی آن دراز کردند و تمامی امکانات خود را به جمهوری اسلامی ایران

خلق نامی بیا در پیکار بخاطر استقلال و آزادی (۱)



دانستنیهایی چند درباره نامی بیا

نام: نامی بیا (نام استعماری: آفریقای جنوب غربی)
مساحت: ۸۲۴۲۹۵ کیلومتر
جمعیت: یک میلیون نفر
شماره سفیدپوستان: ۱۰۰ هزار نفر
پایتخت: اوتجوموتیزه
واحد پولی: راند (برابری ۴۴ دلار)
گروههای طبیعی: معادن سرشار مس، نقره، طلا، الماس آهن، نفت و...

چکیده‌ای از تاریخ اشغال نامی بیا توسط استعمارگران و پایداری قهرمانان خلق نامی بیا در برابر استعمارگران

استعمارگران آلمانی، انگلیسی و پرتغالی، در اواخر سده نوزدهم، با تدارک و زمینسازی بیش از یک قرن، از طریق صدور جاسوسان خود در پوشش «میلین مسیحی»، «سولان صلح» و «امدادگران بشردوستان»، با بهره‌جویی از عقب ماندگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و با شعله‌ور ساختن آتش نفق و دوگانگی بین سران قبایل، برای دست اندازی بر ثروت‌های سرشار طبیعی و غارت بی حساب مردم نامی بیا، سلطه خویشاوندان را بر این خلق ستمدیده تحمیل کردند.

آلمان استعماری مقاومت‌های پراکنده و خود بخودی برخی قبایل را، که در جنوب و مرکز نامی بیا می‌زیستند، درهم شکست و با زیرداندان حقوق مردم محروم نامی بیا، بر اساس توافق با انگلستان و پرتغال، این سرزمین را «آفریقای جنوب غربی» نامید. آنگاه، استعمارگران آلمانی برای تحکیم سلطه جا بجا خود و سرکوب مقاومت سرزمین‌های اوامبوها و گوانگوا و گایرون‌های شرقی، در یکبارگی فرسایند و خونین با مردم نامی بیا درگیر شدند. آنها تلاش می‌ورزیدند که خلق نامی بیا را از طریق اعمال فشارها و تضییقات اقتصادی و اجتماعی گوناگون، مذاکره ظاهری برای حل صلح آمیز خواسته‌های آنها و گسترش در عمل، به زانو در آورند. ولی خلق نامی بیا، از میان گلوله و آتش و خون بیباخت و شکست ناپذیری خلق را به نمایش گذارد. تجلی نمونه‌وار این پایداری در مقابل استعمارگران اشغالگر، برای رهائی از ستم و استثمار در راه کسب استقلال و آزادی را در سنگر همواره فرزندان و تسخیر ناپذیر قبیله هرروها میتوان یافت. مقاومت قهرمانانه هرروها، در پیامد مذاکرات بی‌ثمر صلح آمیزشان، به جنگ‌های چریکی انجامید. یکی از چهره‌های درخشان این جنگ‌ها، هندویک ویتوی بود، که ده سال پیکرانه علیه استعمارگران آلمانی رزمید، و هنگامیکه در سال ۱۸۹۴ جنبش مقاومت تمام قبایل جنوب را رهبری میکرد، دستگیر شد.

در سال ۱۹۰۴ هرروها، در ادامه مبارزه استقلال طلبانه خلق نامی بیا، دیگر قبایل ساکن کشور، بویژه اوامبوها و ناماها را به اتحاد عمل و مبارزه مشترک فراخواندند. اوامبوها به ندای استقلال طلبانه هرروها پاسخ مثبت دادند

رزم نژادپرست آفریقای جنوبی هر جنبش اعتراضی را بشدت سرکوب می‌کرد. در سال ۱۹۲۲ مقاومت کارگران به خون کشیده شد و صدها تن کشته و ۴۶۸ تن زخمی برجای ماند. در سال ۱۹۲۵ در نتیجه اعتراض جسمی کارگران به قوانین و شرایط کار، گروهی از کارگران پیشرو و آگاه، زندانی و اخراج شدند.

خلق نامی بیا، به تجربه سلبا مبارزه بدون برنامه و رهبری واحد، که با ملت‌های نام هماهنگ و پراکنده در راه سرنگونی نظام استعماری همراه بود، نمی‌توانست به پیروزی دست یابد. هنگام با تمیق و گسترش جنبش و افزایش فشارهای داخلی، زحمتکشان به ضرورت مبارزه متحد و سازمان یافته، به رهبری یک سازمان انقلابی و رزمنده، آگاهی یافتند. در نتیجه، در سال ۱۹۲۵، کارگران فصلی قبیله اوامبو، که برای کار توافقی صادر «تصادف آفریقای جنوبی» (نام پیشین آفریقای جنوبی) کسب شده بودند، «سازمان خلق اوامبو» یا «ایو» را به رهبری «توآوو - یا توآوو» که امروز قهرمان ملی نامی بیاست، بوجود آوردند.

«ایو» با هدف دفاع از حقوق زحمتکشان و تدارک مبارزه گسترده در راه استقلال نامی بیا، آغاز به فعالیت کرد. ولی دیری نپایید که فعالیت سازمان، بخاطر اخراج «توآوو - یا توآوو» از «جمهوری آفریقای جنوبی» متوقف شد.

پس از یکسال، «ایو» توسط همزمان و بویژه کارگری بنام سامنجوما، با همیاری دانشجویان شهر کاپدر اوتجوموتیزه (ونیدموک) تجدید سازمان یافت. احیای این سازمان انقلابی، به اتکاء نیروهای اصیل، یبگیر و مبارز کارگری، و پشتیبانی «حزب کمونیست آفریقای جنوبی» و «کنگره ملی آفریقا» صورت پذیرفت.

«سازمان خلق اوامبو» - ایو - با سازماندهی کارگران فصلی، بطور یبگیر و خستگی ناپذیر می‌رزمید و از هیچ تلاشی جهت برقراری اتحاد اصولی و استوار با دیگر سازمان‌های استقلال طلب و جلب توده‌های وسیع به سازمان فروگذار نمی‌کرد. زیرا هدف ایجاد چنان سازمان فراگیر و سراسری بود که قادر به رهبری جنبش استقلال طلبانه مردم نامی بیا باشد. از اینرو، رهبران انقلابی «ایو»، مانند سامنجوما و یاکوب گانهنگوا، در سال ۱۹۵۹، طی فراخوانی، خواستار تشکیل جبهه آزادیبخش خلق نامی بیا گردیدند.

فراخوان «سازمان خلق اوامبو» با استقبال چشمگیری اقتضای طبقات مردم روبرو شد. هزاران تن به صفوف «ایو» پیوستند. میتینگ‌های بی‌سابقه‌ای در شهرها برپا شد. همزمان با

همزمان با قیام هرروها، جبهه نبرد توفنی را گشودند. ولی این قیام، بخاطر عدم شرکت همزمان و هماهنگ دیگر قبایل، با شکست روبرو شد. آلمانی‌ها کلیه اعضای قبیله هرروها را به صحرای خشک و سوزان کالاهاری کوچاندند و به قتل عام بی‌رحمانه مردان، زنان و کودکان بی‌گناه مبادرت ورزیدند. این کشتار قساوت آمیز تاریخی، تحت فرماندهی کل قوای آلمان در نامی بیا، فن تروتها صورت پذیرفت.

بدنبال این کشتار وحشیانه، هندریک ویتوی برجم مبارزه خونین خلق نامی بیا را با مبارزه مسلحانه بر ضد سلطه مرگبار استعمار برافراشت. خلق نامی بیا با شرکت وسیع در این پیکار حماسه آفرین، نهال استقلال و آزادی کشور خود را با خون آبیاری کرد. سرانجام شراره‌های پرفروز قیام خلق در سال ۱۹۰۹، در دریای خون و خشم مردم و در زیر رگبار بی‌پایان گلوله، برای مدت کوتاهی به خاموشی گرائید.

در مدت این پنج سال، هرروها سبکترین ضربات را تحمل کردند، بطوری که بعد از قتل عام هشتاد هزار تن از اعضای این قبیله، تنها ۲۰ هزار تن برای ادامه زندگی ستیبار و پیکار سامان ساز دیگر، جان سالم بدر بردند. جنگ اول جهانی به سلطه استعماری آلمان پایان بخشید. ولی نامی بیا همچنان در اسارت استعمارگران باقی ماند. پس از امضای قرارداد صلح، «اتحادیه آفریقای جنوبی» با حکم «جامعه ملل» و بانوید اعطای آزادی و حق تعیین سرنوشت مستقلانه به مردم نامی بیا، بر کشور تسلط یافت.

تشکیل سازمان رزمنده خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو)

سلطه جویان آفریقای جنوبی، برای غارت بی‌بندوبار و فرو نشاندن موج جنبش انقلابی مردم نامی بیا، یک رشته قوانین ضد انسانی نژادپرستانه تصویب کردند و در سایه تقسیم کشور به ده «فزادپوم» و اعمال خشونت بار پلیسی، آنها را به اجرا گذاردند.

در روند مبارزات استقلال طلبانه، آگاهی کارگران و دیگر زحمتکشان بطور روز افزونی بالا میرفت. کارگران بخاطر وجود کاستی‌های اقتصادی - اجتماعی و شرایط شاق حاکم بر محیط کار، هر روز با شور انقلابی بیشتری با به عرصه مبارزه می‌نهادند. کم کاری و اعتصاب کارگران فصلی در معادن الماس شکل جنبش مبارزه علیه ستم و استثمار سلطه گران آفریقای جنوبی بود.

«میدانم که مبارزه طولانی و تلخ خواهد بود. اما همچنین اطمینان دارم که خلق من این مبارزه را بهر قیمتی ادامه خواهد داد.»
هرمان یاتویو، بنیانگذار «سواپو»

اعتلای جنبش، خشونت پلیس نیز شدت گرفت. در روز ۱۰ دسامبر ۱۹۵۹ یازده تن کشته و ۵۴ تن زخمی شدند.

هرگونه تظاهرات و اعتصاب خلق رزمنده نامی بیا به خون کشیده میشد. سرانجام مردم نامی بیا به این نتیجه رسیدند که برای کسب استقلال و آزادی و ایجاد دگرگونی بنیادی و راهبردی ستم ملی و طبقاتی، نمیتوان تنها بر مبارزات مسالمت آمیز تکیه داشت.

بدین ترتیب، در روند گسترش یابنده جنبش، بایوستن دیگر سازمان‌های مترقی و انقلابی نامی بیا، و بخاطر پیشبرد مبارزه مسلحانه مردم، «سازمان خلق آفریقای جنوب غربی» - سواپو - جایگزین «سازمان خلق اوامبو» - ایو - شد.

و اینک سواپو بیستین سال تأسیس خود را، با کوله باری از تجارب و کامیابی‌های گرانقدر، پشت سر می‌نهد.

در ادامه نخست اساتنام سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) وظیفه اساسی سازمان چنین تصریح گردیده است:
«سواپو یک جنبش آزادیبخش ملی، براساس همکاری آزاد و داوطلبانه فرزندان آزاده خلق نامی بیا است. این سازمان، پشاهنگ سیاسی سازمان یافته خلق تحت ستم و استثمار نامی بیاست. سواپو در ایفای نقش پشاهنگ توده‌های وسیع، زحمتکشان نامی بیا را در مبارزه بخاطر آزادی ملی و اجتماعی سازمان میدهد، متحد می‌سازد، الهام می‌بخشد، سمت میدهد و رهبری میکند.»

ادامه دارد

در شهرستان قومن:

ضد انقلاب، شیطان بزرگ را از زیر ضربه خارج می کند

است، در زیر می آید:

امام خمینی: این تکلیفی است برای همه جوانان ایران و برای همه ملت که در چنین وقت حساس اختلاف نکنند.
حجت الاسلام خامنه‌ای: مردم بدانید، شیطان بزرگ آمریکا و شیطانهای کوچک در سراسر منطقه و در داخل ایران در کمینند.
ما توجه مقامات مسئول شهرستان قومن را به این مسئله مهم جلب می کنیم و مصرانه خواستار مقابله جدی با ستون پنجم دشمن، که این چنین «شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار» و مزدورانش را از زیر ضربه خارج می کند، هستیم.

در شرایطی که توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن علیه جمهوری اسلامی ایران هر روز ابعاد تازه‌ای بخود می‌گیرد و لزوم افضای این توطئه برای مردم بیش از هر زمان احساس میشود، دست‌های مشکوکی در شهرستان قومن بکار افتاده است. تا مانع از افضای ضدانقلاب و جلب هوشتیاری مردم گردد. از جمله روز سه شنبه ۲ دیماه ۵۹، روی کلیه تابلوهائی که محتوی همه آنان، جملات و هشدارهای امام خمینی و مسئولان جمهوری اسلامی ایران و افضای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا بود، شعارهای ضدانقلابی نوشته بودند. ۲ نمونه از شعارهای درج شده در تابلوها، که ضدانقلاب یا آن مخالف

سیروس از امارات
متحد عربی ۱۸۰۰۰ ریال
سیف از امارات
متحد عربی ۵۰۰۰ ریال
ع.ش از جناح بستک ۲۵۰۰ ریال

کمک مالی به
حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

سازمان حزب در شاهرود
۱۰۰۰۰۰ ریال
رقنای چنگز زده آبادانی و
خرمشهری در ماهشهر ۱۲۶۰۰ ریال
خانواده شهید سیمین
سلامی زاده ۲۵۰۰۰ ریال
حیدرقلی قاسمی ۲۰۰ ریال
ح.ح از جناح بستک ۲۰۰۰ ریال
علاقندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمتش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاسمی بپردازند.



السالوادور: رژیم دست نشانده آمریکا در آستانه سقوط

جبه آزادی بخش ملی السالوادور بنام «فراوندو مارتی» از اهالی این کشور دعوت کرد که خود را برای نبرد قلمی با نیروهای هیئت حاکمه دست نشانده آمریکا و در راه استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی آماده سازند. این دعوت را راديو زیرزمینی جبهه بنام «لیراسیون» بخش کرد. این راديو گفت که رژیمهایی که به سیاست ترادکسی علیه مردم ادامه میدهند، باید سرنگون شوند.

دولت افغانستان بار دیگر آمادگی خود برای مذاکره با ایران و پاکستان را اعلام کرد

* مقامهای وزارت خارجه هند، اقدام افغانستان را گامی به جلو برای حل و فصل اوضاع منطقه خواندند. دولت افغانستان ابراز آمادگی کرد که با حضور و میانجیگری نماینده ویژه سازمان ملل متحد، مذاکرات با ایران و پاکستان را برای حل و فصل سیاسی اوضاعی که بیرون افغانستان بوجود آمده، آغاز کند. این آمادگی دولت افغانستان در پیامی از سوی بیروت کارمل، رهبر افغانستان، به بانو ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، اطلاع داده شد. پیام بیروت کارمل، توسط بانو دکتر آناهیتا راتبهزاده، وزیر آموزش و پرورش افغانستان، تسلیم بانو گاندی شد. به گزارش رسانه های گروهی، مقام های وزارت خارجه هند، اقدام افغانستان را گامی به جلو، برای حل و فصل اوضاع منطقه خواندند. از سوی دیگر، آناهیتا راتبهزاده، در یک مصاحبه مطبوعاتی در هند، گفت: اوضاع در افغانستان سرعت عادی میشود.

معاون سابق فرماندهی «ناتو»: کشورهای سوسیالیستی خواهان صلح اند

نیو یاستی، سناتور ایتالیایی و معاون سابق فرماندهی کل نیروهای مسلح پیمان «ناتو» در اروپا، اظهار داشت که ادعاها درباره تجاوز بودن کشورهای سوسیالیستی صحت ندارد. وی طی مصاحبه ای با نماینده روزنامه «پوتنگ ولت» چاپ جمهوری دموکراتیک آلمان، خاطرنشان ساخت که کشورهای عضو پیمان ورشو برای دفاع از صلح، نصف میلی را صرف می کنند که پیمان ناتو و چین برای مقاصد نظامی تخصیص میدهند. نیو یاستی یاد آور شد که کشورهای سوسیالیستی همچنین اظهار آمادگی کرده اند که قسمتی از وجوهاتی را که برای تولید اسلحه به مصرف میرسد، برای مقاصد صلح آمیز بکار برند.

گواهی نمایندگان پارلمان انگلیس درباره افغانستان

گروهی از نمایندگان پارلمان انگلیس، که در افغانستان پس میروند، اراجیف تبلیغات امپریالیستی را درباره اوضاع کابل رد کردند. نمایندگان پارلمان انگلیس طی بیاناتی در کنفرانس مطبوعاتی که در کابل برگزار شد، خاطرنشان ساختند که اوضاع پایتخت جمهوری دموکراتیک افغانستان آرام است و تمام ادارات و مغازه ها و واحدهای صنعتی کار میکنند.

نات را بخاطر بسیار، داستان زندگی زنی است که سالهای جنگ را در اردوگاه مرگ «آشویتس» گذرانده است. پس کوچکی را نایها از آغوشش بیرون کشیده اند و پس از آزادی، ۲۰ سال را به جستجوی او گذرانده است. خوشترین و خوشترین روزهای زندگی این زن - زینا - تلخترین آن هم هست. او تنها چند ساعت قبل از حمله نازیها به شهرش، اولین فرزند خود را بدنیا می آورد. نازیها، همزمان با اولین گریه نوزاد، از راه میروند. زنان و کارکنان بیمارستان میکوشند بگریزند، اما تلاش آنها بجای نمیرسد. نازیها دهقان جوانی را که به یاری آنها شتافته، و همه کارکنان بیمارستان را تیرباران می کنند و زنان و کودکان را به اسارت می برند. کابوس طولانی بردگی زینا آغاز میشود.

زینا و کودکان را به جهنم قرن بیستم می برند، به اردوگاه مرگ، به آشویتس. صحنه های اردوگاه مرگ، صحنه های وحشتناک و لرزاننده ای است. زینا و سایر اسیران، زیر بار طاقت فرسا و کمر شکن اردوگاه، گرسنگی و محرومیت، سرما و بیماریهای گوناگون خرد میشوند. گنا - فرزند زینا - مانند دیگر کودکان اسیر، جهان را در اسارت می شناسد. ترس و لرز، شکنجه و آزار، در این جهان اسارت، که دنیای «آزاد» خالق آنست، غیر از این چیزی نیست. گنا اولین گامهای کودکی را، همراه هزاران کودک دیگر، در اسارت و راهبیمایی های طولانی از این اردوگاه به آن اردوگاه بر میدارد. ولی هنوز بدبختیهای بزرگتری در انتظار مادر و فرزند - بنام نونه ای از همه مادران و فرزندان - است. یکروز افسران نازی، همه کودکان را، به بهانه رعایت بهداشت و آموزش، از مادران خود جدا میکنند و به سلولهای ویژه می برند، جایی که کودکان چون خوکچه های آزمایشگاهی مورد مطالعات ظالمانه پزشکی قرار می گیرند.

هنگامیکه نازیها از برابری ارتش شوروی در حال عقب نشینی هستند، اسیران را به اردوگاه دیگری منتقل می کنند: مادر و پسری یکی از هم جدا میشوند، این جدائی ۲۰ سال بطول می انجامد. بعد از پایان جنگ، زینا، که شوهرش هم در جنگ شهید شده است، در مقام مدیریت بخشی از یک کارخانه بزرگ تلویزیون سازی جست و جو، را آغاز می کند و سرانجام فرزند خویش را می یابد. و در این یافتن، در پیوند دوباره مادر و فرزند، آفتاب که رنج هست، لذت نیست. آنچه سرشودت مادر و فرزند را بهم پیوند داده، زجری است به ژرفای چنایت نازیها.

نات را بخاطر بسیار، چیزی بیشتر

یادداشتی بر فیلم: نامت را بخاطر بسیار

عشق به انسان، نفرت از جنگ و فاشیسم

نامت را بخاطر بسیار (۲۰م اصلی: دو مادر قهرمان) کارگردان: سرگئی کولوسف بازی: لودمیلا کازانکیا (زینا) - لودمیلا ایواتوا (نازدها) محصول مشترک سینمای شوروی و لهستان مجل نمایش: سینما شهر قوه

از یک داستان واقعی و ترازیک این مادر و پسر است. داستان ستایش یک دوستی واقعی و یاری متقابل است. اگر در جبهه نازیها چیزی غیر از شکنجه و ستم نیست،



اگر جبهه سرمایه هدیهای غیر از سلاحان و جلاان ندارد، ولی در جبهه متقابل، در جبهه کار و سوسیالیسم، ایستادگی و امید حاکم است. امید و دوستی است که از اعناق اردوگاه مرگ میدرخشد و به انسانهای بی دفاع برای دستیابی به آرمان هایشان یاری مقاومت میدهد. مظهر این دوستی بی شائبه نادیا است، زنی که دخترکش را نازیها کشته اند و خود به زینا کمک میکند تا زندگی دوباره را بیابد. هالنا، زن لهستانی، که گنا را بزرگ می کند و به مقام ناخدائی یک کشتی بزرگ میرساند، یکی دیگر از قهرمانان فراموش نشدنی فیلم است، که برغم عشق شدید مادرانه اش به گنا او را تشویق میکند که به دیدار مادر واقعی اش بشتابد.

«نامت را بخاطر بسیار» یک فیلم اخلاق و انسانی است، که از عشق به انسان و نفرت از جنگ و فاشیسم سرشار است. در رساندن این پیامها به تماشاگره کارگردانی مسلط فیلم نقش ارزنده ای دارد. زبان سینمایی فیلم نیز بسیار موفق است. برای مثال در صحنه ای که زینا تلفتی از پیدا شدن پسرش باخبر میشود، تمام هیجان، شادی آمیخته به دلهره و وضعت روحیش با تماشاگر تقسیم میشود. بازی یکدمت هنریشه های فیلم هم که حاکی از کار خلاق جمعی در هنر است. نیز از ویژگیهای قابل تحسین فیلم است.



نازیها کودکان را از آغوش مادران می ربایند.

یک اثر با ۴۸ اجرا!

ایستادگی رنگهای ترکیبی تیره، فضای پررخت، با پس زمینه های یکسان - دیوارهای کامکلی ترکیب داشته و اینجا و آنجا فروریخته و با پیش زمینه هایی که گاه یک زن، گاه یک مرد - در آخرین کارهایش - یک بیجه، فضا را اشغال کرده، به صورت مجلس برداری از واقعیت مشخصه در ذهنیت هنرش می نشیند، که پیش از انقلاب اینکار را می کرد. گیم که بیشتر «بیون عنوان» می کشید و حالا «بیجه های ایرانی» در سنین، چشما و زاویه های متفاوت: ساله! ساله! ۱۰ ساله! دختر! پسر! از زور پوره، تیرخ، تک تک، دوتا دوتا... و همه محبوس در فضایی سنگین، رنگهایی تیره و عبوس و ریشی کند، اگر نه ساکن!

به جرات می توان گفت که خاکدان در این نمایشگاه ۴۸ اثر ارائه نداده! او یک اثر با ۴۸ اجرا عرضه کرده است.

ریش تراشی... را بکار گرفته. انقلاب ته از نظر تأثیر بر ساختار اثر، نه سبک و نه شکلهای هنری گونه گون برای خاکدان چیز نوینی به ارمغان نیاروده! همانگونه که مجموعه این ۳ وجه بر مفاهیم زیبایی شناسی اثر، مثل شکل و محتوی... مطلقا تأثیری نداشته است.

از نظر جامعه شناسی رابطه هنر و انقلاب نیز کارهای خاکدان، نسبت به کسانی که انقلاب را به انجام رساندند و از این رو مضمون آنها تمیز کردند و نسبت به خواسته های آنان بی اعتناست. هیچ یک از نیازهای انقلاب و انقلابیون در آثار او متبلور نشده! در یک کلام، طوفان انقلاب، تنها کرد تیره ای بر آثار خاکدان نتانده، که کبکاه در این و آن مضمون ناهمخوان یا شکل نمایانده می شود. خاکدان یا همان لحن غمناز، آهنگ

گالری شماره ۲ موزه هنرهای معاصر تهران، این بار به نمایش ۴۸ اثر رنگ روغن حمداد رنگ روی کاغذ و گواش و مداد رنگی واحد خاکدان اختصاص دارد، که تاریخ سالهای ۵۶ تا ۵۹ را بر خود دارند و البته که بخش اعظم آنها، با عنوانهای «بیجه های ایرانی»، «بیجه های نذوق»، «برگهای سبز جنوبی» در سال ۵۹ و با مداد رنگی روی کاغذ طرح خورده است.

مقایسه کارهای پیش از انقلاب واحد خاکدان با آثار پس از انقلاب، که در نمایشگاه ارائه داده، بازگوگر هیچ تحولی نیست. خاکدان پیش از انقلاب، که «بیون عنوان» هایش را در سال ۵۶ نقاشی کرده و از «موتیفهای ابروروزنامه وساعت و فرجه ریش تراشی...» استفاده کرده، همان خاکدان پس از انقلاب است که طبیعت بیجان سال ۵۹ را تجسم بخشیده و لایه و بطری کوکاکولا و آئینه و باز فرجه